

کمونیست می پرسد!

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در منطقه چیست؟ فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

صفحه ۳

دادگاه لاهه، نظم جهانی و تداوم نسل کشی آمریکا و طرح جدید "دو دولت مستقل"

آذر ماجدی

صفحه ۶

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با حملات موشکی جمهوری اسلامی به کردستان عراق

صفحه ۷

آزادی به شرط چاقوی رژیم،

نیلوفر حامدی و الهه محمدی آزادی شدند! اما؟

پروین کابلی

صفحه ۸

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

اعدام قتل عمد دولتی است، علیه حکومت اعدام بپاخیزیم!

صفحه ۹

شکست ایدئولوژی اسلامی در مدارس؛ دوام بنگاه سازی در مدارس و ادامه مبارزات معلمان!

فاطمه عسگری

صفحه ۱۰

یادداشتها،

صفحه ۱۱

سیاوش دانشور

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۲

۷۳۴ مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۲۹ دی ۱۴۰۲ - ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳

روند رو به رشد راسیسم در

اروپا

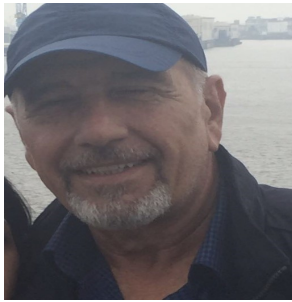
سوسیالیسم کارگری راه حل است!

رشد نژاد پرستی در کشورهای اروپایی در بطن بحرانهای اقتصادی و جنگ و کشمکش دولتهای بورژوازی در سالهای اخیر به یک روند شاخص جوامع اروپایی تبدیل شده است. چند روز پیش بعد از افشای یک جلسه سری نازیستها در شهر پوتسدام آلمان توسط پورتال خبری "کوریکتیو"، موجی از اعتراضات هزاران نفره در شهرهای مختلف آلمان در دفاع از "دمکراسی" علیه فاشیسم شکل گرفت و هنوز ادامه دارد. در این نشست غیر از فاشیستهای شناخته همچون مارتین سلنر، نئونازی اتریشی عضو جنبش راستگرای "هویت خواهان" از آلمان و اتریش، تعدادی از سران حزب راستگرای آلمان "آ اف دی،" بدیل برای آلمان" شرکت داشتند. به این دلیل مردم ضد فاشیست در این اعتراضات خواستار ممنوعیت فعالیت این حزب که هم اکنون در تعدادی از ایالتهای آلمان در پارلمان حضور دارند شده اند. در این جلسه در مورد اخراج میلیونها نفر از خارجیهای مقیم آلمان بحث و تبادل نظر شده است.

اگر آلمان، به دلیل جنایت نازیستها، تاریخی دهشتناکی پشت سر دارد، رشد راستگرایی و خارجی سنیزی در اکثر کشورهای اروپایی رو به رشد است و ذهن انسانها را به خود مشغول کرده و یکی بعد از دیگری یا در پارلمانها حضور پیدا کرده و یا در تلاش برای ورود به پارلمانهای کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا هستند. در

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



در جوهر همان سیاست کلاسیک فاشیستی را دنبال میکنند.

آیا رشد فاشیسم و راست افراطی نگران کننده است؟

بحران اقتصادی سرمایه داری که روند رو به رشد دارد، تشدید جنگ و ناامنی و رقابتهای منطقه ای و جهانی برسر قدرت برتر و کسب سهم بیشتری از دسترنج طبقه کارگر، آینده ناروشن و تیره و تاری را در مقابل بشریت قرار داده است. نگاهی به جنگ و کشمکش رقبای منطقه ای و جهانی این اوضاع را به ما نشان می دهد. در چنین شرایطی است که نیروی های ضد جامعه و جریانات تروریستی و فاشیستی زمینه رشد می یابند. یکی از خروجیهای این شرایط رشد و برآمد فاشیسم است. واقعیت اینست که احزاب سنتی و لیبرال در حکومتهای کشورهای اروپایی رقیب احزاب راست نیستند. آنها با سیاستهای راست گرایانه و تحمیل ریاضت اقتصادی به کارگران و مردم کم درآمد، به رشد احزاب راستگرا کمک می کنند. مردم در کشورهای اروپایی کم کم به احزاب سنتی به دلیل سیاستهای راستگرایانه و ضد مردمی پشت می کنند و این گرایش در انتخاباتهای پارلمانی به روشنی قابل مشاهده هستند. در نبود حضور موثر چپ خلاف جریان در جامعه و مشخصا کمونیسیم ضد کاپیتالیستی، احزاب بورژوازی و راست جامعه میدان دار سیاست و در راس قدرت قرار می گیرند. در فقدان حضور موثر چپ خلاف جریان، کمونیسیم انقلابی و ضد سرمایه، احزاب راست و بورژوازی هستند که سرنوشت جامعه را رقم می زنند و به رشد احزاب نژاد پرست کمک می کنند. احزاب چپ در اروپا یا درحاشیه و یا بی تأثیرند و یا در این شرایط ادغام شده اند و نیروی جدی به حساب نمی آیند. درغیاب یک جنبش کمونیسیتی و کارگری خلاف جریان دورنمای امید بخشی در انتظار مردم نیست.

اکنون در اروپا به این تفکر و روحیات از جانب میدیا و سیاستمداران بورژوا در راس قدرت با دامن زدن به شعار "نه راست افراطی، نه چپ افراطی" در مقابل کمونیسیم کارگری و افکار برابری طلبانه سوسیالیستی قد علم کرده اند. اعتراضات گسترده مردمی و جریانات چپ علیه گرایشات و احزاب نژادپرست در آلمان را باید به فال نیک گرفت و از آن را حمایت کرد. همزمان باید راه حل سوسیالیستی را بعنوان تنها راه رهایی بشریت از گنداب سرمایه داری طرح و بمیدان سیاست کشید. سوسیالیسم کارگری یک جریان زنده در درون طبقه کارگر است، باید متشکل شود، خود را از پیرایه های پارلمانی و راه حل های قانونی رها کند، به جریان اصلی و انتقاد کارگری به وضع موجود تبدیل شود. مقابله قاطعانه با فاشیسم امر هر انسان آزادیخواه است اما برای رفع آن باید برای شکل گیری جنبش سوسیالیستی و پایان دادن به جنگ و تبعیض و استثمار نظام سرمایه داری تلاش کرد.

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴
سردبیر

**منصور حکمت را بخوانید و
به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

روند رو به رشد راسیسم در اروپا

سوسیالیسم کارگری راه حل است!

فرانسه حزب راست "مارین لوپن" در انتخابات ریاست جمهوری پاپیای احزاب سنتی و حتی بیشتر از آنان صاحب رای میشود. در ایتالیا اخیرا بیش از ۲ هزار نفر با پیراهن های مشکی در پرداپیو محل تولد و دفن موسولینی، در مناسبت صدمین سالگرد رژه فاشیستها در رم رژه رفتند.

در نوامبر سال گذشته در انتخابات پارلمانی کشور هلند حزب راستگرای "خیرت ویلدرز" که به ضدیت با مهاجرین مسلمان شهرت دارد، اکثریت کرسی های پارلمان را کسب کرد و ملیگرایان و راستهای اروپا برای تیریک به او صف کشیدند. در آلمان حزب راستگرای "آف دی" بدیل برای آلمان در چند سال گذشته رشد چشمگیری داشته است و از سال ۲۰۱۶ به بعد تاکنون در بسیاری از مناطق آلمان به رقیب سیاسی احزاب سنتی این کشور تبدیل شده است. در برآوردی تازه، این حزب اکنون بعد از حزب راست دمکرات مسیحی "سی دی او" از بقیه احزاب جلوتر است و نگرانی از پیشروی بیشتر آنان در انتخابات ماههای آینده در تعدادی از استانهای آلمان وجود دارد. هم اکنون این حزب در پارلمانهای ۱۰ ایالت از ۱۶ ایالت آلمان فدرال نماینده دارد که همه ایالات شرق کشور را شامل میشود، جایی که در آن بیشتر و سنتا حزب چپ آلمان جایگاه خاصی داشت. تصمیمات و سیاست سخت گیرانه اخیر دولت ائتلافی آلمان علیه پناهجویان، که بندهایی از اهداف حزب الترناتیو برای آلمان علیه پناهجویان را در برمیگیرد، به فضای ضد خارجی دامن زده و این خود زمینه رشد خارجی ستیزی و فاشیسم را بیشتر فراهم می کند. اخیرا و بعد از افشای جلسه نئونازیستها تقاضا برای ممنوعیت فعالیت حزب الترناتیو برای آلمان بالا گرفته است. اما مخالفان ممنوعیت فعالیت این حزب، از جمله حزب دمکرات مسیحی "سی دی او" معتقد است که باید در دیالوگ و بحثهای آزاد و نهائیتا در صندوقهای انتخاباتی آنان را شکست داد.

علت رشد راستگرایی در اروپا

اگر ناسیونالیسم و توهمات "برتری نژادی" و "غیر خودی" که با عروج سرمایه داری و تشکیل دولتهای ملی در اروپا در دوره های تاریخی اشکال مختلفی به خود گرفته و زمینه رشد افکار و اندیشه نژاد پرستی را فراهم کرده، جنگها و بحرانهای اقتصادی سرمایه داری زمینه ساز رشد و برآمد نازیسم و خارجی ستیزی می باشد. اگر بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰ زمینه شکلگیری و قدرت نازیسم در اروپا شد، امروز و در سالهای گذشته با عروج دوباره بحرانهای اقتصادی، وقوع جنگها، بیکاری و گسترش فقر در اروپا، کاهش رفاه اجتماعی و تشدید اعمال سیاست ریاضت اقتصادی به مردم کارگر و زحمتکش این کشورها، به رشد راستگرایی و فاشیسم در اروپا کمک کرده است. در پس هر بحرانی، دولتهای بورژوازی برای توجیه ناکارآمدی و استثمار کارگر و زحمتکش جوامع خود و بیکاری های گسترده، حلقه ضعیفتر طبقه کارگر یعنی "خارجی"ها را مورد تعرض قرار می دهند. در اروپا به مهاجرین و پناهندگان و در ایران به مهاجرین و پناهندگان افغانستانی حمله میکنند. چرخش به راست در پی بحرانهای اخیر و وقوع جنگها در طی سالهای گذشته، شامل احزاب سنتی حاکم در کشورهای اروپایی نیز می باشد تا جایی که در مواردی تشخیص مواضع آنان و سخت گیری علیه پناهجویان با احزاب راستگرا بشدت سخت است. خروجی این بحرانها رشد فاشیسم و خارجی ستیزی و قربانیان اصلی آن پناهندگان و مهاجرین می باشند. تفاوتی که هست، امروز احزاب فاشیستی اروپا خود را با مسلمان ستیزی بیان میکنند اما

مرگ بر جمهوری اسلامی!



و محدود هدفش نه گسترش جنگ بلکه جلوگیری از دخالت در جنگ جاری است.

حملات ارتش آمریکا در عراق به کتائب حزب الله یا حشد الشعبی، حملات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان به مواضع حزب الله، پیغام ها به جمهوری اسلامی که خود را وارد جنگ نکنند، همینطور حمله موشکی و پهپادی به بیش از ۶۰ مرکز حوثی ها در یمن و مشخصاً صنعا، هنوز

همین هدف و چهارچوب را دنبال می کنند. اینکه آیا می توانند خود را در این بالانس نگاهدارند یا نه، فکر میکنم برای خود دولتها و نیروهای درگیر هم پاسخ قطعی ندارد. نه دولت اسرائیل علیرغم شعارهای فاشیستی توان ورود به جنگ در چند جبهه را بطور همزمان دارد و نه دولت آمریکا میخواهد در این مقیاس وارد جنگ با اسلام سیاسی شود و نه شرایط پیشا-انتخاباتی برای این اقدام را مطلوب تلقی میکنند. باید توجه کرد که حمله بایدن به حوثی ها مورد توجه و تأیید عمده نیروهای جمهوریخواه و هیئت حاکمه آمریکا و دولتهای موئتلف قرار گرفت. به نظر ما آمریکا و دولتهای غربی هنوز به اسلام سیاسی و نیروهای متفرقه آن در جنگ و رقابت شان نیاز دارند. هدف آنها نه رودروئی با اسلام سیاسی و درهم کوبیدن آن بلکه تحمیل تعادل جدیدی به اسلام سیاسی است. در حدی که چوب لای چرخ آمریکا و موئتلفینش نگذارند اما میتوانند هر جنایتی در حوزه نفوذشان صورت دهند. اما این سیاست بشدت بی در و پیکر و غیر قابل کنترل است. نه آمریکا و نه هیچ دولتی در منطقه کنترلی بر جنبش اسلامی حتی دست سازترین آنها ندارد و جریانات اسلامی نیز در بحران اخیر مشروطه خودشان را دنبال می کنند.

در یمن جنگی شش الی هشت ساله در جریان بوده که ائتلافی بزرگ به رهبری عربستان با حمایت آمریکا، یمن را به یک ویرانه تبدیل و کشور را دچار قحطی کرد. این جنگ ارتجاعی بیش از ۲۰۰ هزار کشته و دهها هزار معلول و زخمی برجای گذاشت و میلیونها تن را آواره کرد اما نتوانست حوثی ها را از میدان بدر کند و قدرت دولت سابق یمن و متحد عربستان عید ربه منصور هادی را اعاده کند. متعاقب آن دولت آمریکا حوثی ها را از "لیست تروریستی" اش بیرون کشید و به حاکمیت دوفاکتوی حوثی ها در صنعا رضایت داد. اما حملات پی در پی حوثی ها در طی جنگ اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین، بیش از ۲۷ حمله به کشتی های تجاری در تنگه باب المندب و دریای سرخ، نظر به تأثیرات بلافصل اقتصادی در تجارت جهانی که حدود ۱۲٪ آن و سهم مهمی از نفت و گاز (۴ میلیون تن نفت) از این تنگه میگذرد، آمریکا و کشورهای مختلف را وادار به تشکیل ائتلافی برای "حفاظت از تجارت جهانی" کرد. اما این ائتلاف نیز مانع حملات حوثی ها نشد. ناامن شدن این ابراه مهم جهانی و لاجرم تغییر مسیر و دور زدن کشتی ها و افزایش زمان و هزینه های تمام شده ترانسپورت، تعدادی از مهمترین صنایع را دچار توقف تولید و یا تعطیلی موقت کرد. افزایش قیمت نفت، افزایش هزینه های باربری، تحمیل ده میلیارد دلار هزینه اضافی روزانه به تجارت جهانی تنها برای کشورهای غربی، زمان لازم برای تغییر مسیر کشتی ها برای کمپانیهای بزرگ و دولتها قابل تحمل نبود. این برای آمریکا فرصت مناسبی است که بعنوان "پلیس جهان" برای جلوگیری از "اخلال در تجارت جهانی" و "تامین امنیت دریائی" وارد عمل شود و همراه با انگلیس و حمایت دولتهای مختلف به مراکز حوثی ها حمله کند. عملیاتی خطراتی با هدف محدود کنترل حوثی ها و جلوگیری از مزاحمت آنها برای کشتی های تجاری. آمریکا تا امروز چهارشنبه ۲۷ دی، دو مورد به سیستم پدافندی و راداری و یک سکوی موشکی حوثی ها حمله کرده است. اما نه این حملات برای حوثی ها جدید است و نه میتواند مانعی برای عدم تکرار حملات مشابه باشد. اینرا همه شان بخوبی میدانند. آمریکا قبل از حمله به حوثی ها به رژیم ایران اخطار میدهد و پیام خصوصی میفرستد و تلاش میکند جمهوری اسلامی و

کمونیست می پرسد؛

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در

منطقه چیست؟

فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

کمونیست: حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در اولین اظهارنظرهای رسمی در باره جنگ دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین به امکان گسترش جنگ در منطقه اشاره کرده بود. چنانکه پیش بینی میشد، جنگ اسرائیل و موئتلفینش علیه مردم فلسطین به غزه محدود نمانده و در هفته اخیر شتابی تند پیدا کرده است. حمله ارتشهای آمریکا و انگلیس به مراکز حوثی های یمن و گسترش تنش در دریای سرخ، حمله دوشنبه شب ۱۵ دی جمهوری اسلامی با پیاد و موشک بالستیک به مناطقی در اقلیم کردستان عراق، حملات موشکی جمهوری اسلامی به مناطقی در استان ادلب در سوریه و مناطق مرزی پاکستان در روز سه شنبه ۱۶ دی، از آخرین تحركات نظامی هستند. تحلیل حزب از رویدادهای جدید چیست؟ آیا جنگ در ابعاد وسیع تر آغاز شده است و یا ظرفیت گسترش آن وجود دارد؟ زمینه های جهانی و منطقه ای این کشمکش ها کدامند و چه سیاستی در قبال این تحركات نظامی باید داشت؟

سیاوش دانشور: آنچه می بینیم دردهای زایمان "خاورمیانه جدید" و بازسازی خاورمیانه از موضع دولتهای سرمایه داری و کمپ های تروریستی در منطقه است. ما تاکید داشتیم که نسل کشی دولت نژادپرست اسرائیل علیه مردم فلسطین، به نظامیگری و تحرک نظامی بیشتر دولتها امکان میدهد، جنگ و تروریسم را بیش از پیش به زندگی روزمره مردم منطقه تحمیل میکند، دستجات متفرقه اسلام سیاسی را به تحرک وامیدارد و تناقضات و رقابتهای قدیمی در شکل جدیدی سر باز میکند. براین واقعیت تاکید کردیم که جنگ را هر کسی ممکن است آغاز کند اما پایان آن دست وی نیست، بلکه هر فاکتور جدید در این معادله میتواند صورت مسئله جدیدی خلق کند و کل اوضاع را پیچیده تر و شرایط تماماً جدیدی بوجود بیاورد. رویدادهای هفته ها و روزهای اخیر براین واقعیت دلالت میکنند.

واضح است در بگراند این کشمکشها رقابت های جهانی برسر حوزه نفوذ، بین قدرتها و دولتهای سرمایه داری در خاورمیانه وجود دارد. در این چهارچوب، رقابت و تلاش برای کسب هژمونی و موقعیت برتر میان دولتهای بزرگ منطقه از جمله ترکیه و ایران تشدید میشود. اما آنچه در روزها و هفته اخیر رخ داده است، اگرچه همه بنوعی خود را به مسئله فلسطین و جنگ اسرائیل مرتبط میکنند، اما نه جایگاه یکسانی دارند و نه ضرورتاً به موضوع فلسطین ارتباط مستقیمی دارند. آمریکا و ائتلاف دولتهای غربی قویاً در کنار دولت اسرائیل حتی مخالف یک آتش بس و رساندن آب و غذا و دارو به مردم آواره و قتل عام شده غزه هستند. در عین حال ناوگانهای آمریکا نقش پاسبان برای عدم گسترش جنگ را ایفا می کنند تا دولت اسرائیل بتواند به جنایت جنگی در فلسطین ادامه دهد. در کنار قتل عام بیسابقه و هولاکاست غزه، جنبش اسلامی و نیروهای متحد جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان و یمن تلاش کردند در حد محدود با شلیک موشک و پهپادهای انتحاری دست به اقدامات ایذائی بزنند. پاسخ این عملیات های جنبش اسلامی که تحت نام "حمایت از مردم فلسطین" صورت گرفته است، از جانب دولتهای اسرائیل و آمریکا سیاست مبتنی بر "پاسخ متناسب و بازدارنده" بوده است. یعنی حملات بدون پاسخ نمیماند و در عین حال قصد گسترش جبهه های جنگ را بصورت همزمان ندارند. حمله متقابل

کمونیسیت می پرسد؛

اهداف گسترش جنگ و حملات نظامی در

منطقه چیست؟

فلسطین، یمن، عراق، سوریه، پاکستان

نیروهای موئتلفش را از ورود به جنگ دور کند.

در ترکیه اردوغان درست مانند نتانیاهو مشغول حملات مکرر و بمباران در کردستان سوریه و عراق علیه نیروهای مخالف خویش از جمله پی دی و پ ک ک است. در افغانستان طالبان وحشی که با سلام و صلوات بایدن مجددا سرکار آورده شد، فرصت را مغتنم شمرده و بیش از پیش بجان زنان افتاده و مشغول مسابقه زن کشی با خامنه ای است. در فضای جنگ و نسل کشی در غزه هر دولتی تلاش میکند سیاست قدیمی تر خود را با هزینه کمتری دنبال کند. جمهوری اسلامی که هر روز در سوریه مورد حمله ارتش اسرائیل قرار میگیرد و بجز رجزخوانی و شعار دادن نه میتواند و نه قصد دارد وارد تقابلی سرراست با ارتش اسرائیل شود، از نیروهای نیابتی اش استفاده میکند و هر عمل آنها را بحساب "انتقام از اسرائیل" میگذارد. حوثی ها یا انصارالله یک نیروی مزدور جمهوری اسلامی و یک زیر مجموعه و پروکسی حزب الله لبنان در یمن محسوب میشوند و امکانات فنی و تسلیحاتی شان را نیز از حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی میگیرند. حوثی ها دو روز بعد از حملات موشکی ارتش آمریکا و انگلیس، دو موشک به کشتی های تجاری شلیک کردند. آنها مدعی اند که ممانعتی برای تجارت جهانی در دریای سرخ ایجاد نکردند و صرفاً به کشتی های به مقصد اسرائیل حمله میکنند. اما نه هیچ شرکت کشتیرانی میتواند روی این ادعا حساب باز کند و نه هدف از ناامن کردن تنگه باب المندب و دریای سرخ دودش فقط به چشم دولت اسرائیل میروید. عربستان سعودی و کل کشورهای منطقه و دولتهای جهان نمیخواهند امنیت دریائی و حمل و نقل و تجارت زیر سوال برود. دولت آمریکا و موئتلفین نیز بعنوان پاسبان تجارت جهانی نظم سرمایه نیز فرصت را غنیمت شمرده و واکنش نشان دادند. این مقدمه ای برای استقرار یک نیروی فراملیتی در دریای سرخ با توجه به موقعیت ضعیف و ناپایدار جیبوتی و یمن و از آنطرف اوضاع سودان و راهزنی دریائی است. ناامنی کنونی از راههای آبی و هوائی تا تروریسم لجام گسیخته دولتی و اسلامی در گوشه گوشه جهان، کارنامه سیاست دولتها در دفاع از نیروهای ارتجاعی اسلامی است که بدون حمایت همین دولتها قادر به حفظ موقعیت کنونی خود نیستند.

جمهوری اسلامی که روی تحرک نیروهای نیابتی اش مانور میدهد، علیرغم رجزخوانی ها در تهران راساً قصد ندارد وارد جنگی تمام عیار شود. جمهوری اسلامی وعده های پوچ "انتقام سخت" را به قتل مردم بی دفاع در ایران و فراقنی در مقابل اسرائیل ترجمه میکند تا هم ناتوانی خود را بپوشاند و هم فاصله خود را با جنگ مستقیم حفظ کرده باشد. حمله موشکی و پهپادی به اقلیم کردستان عراق در دوشنبه شب نیز از این جنس است. از سونی میگویند به "یک مرکز موساد اسرائیل در کردستان عراق" حمله کردند و از سوی دیگر میگویند مراکز "ضد انقلاب" را در هم کوبیده اند. حمله موشکی سه شنبه به مناطقی در استان ادلب سوریه و مناطق مرزی پاکستان با بهانه "انتقام از داعش و جیش العدل" به بهانه و در پاسخ به بمبگذاری های کرمان صورت گرفته است. از پیش روشن بود و ما تأکید کردیم که جمهوری اسلامی که خود اولین کاندید قتل عام مردم غیر نظامی در مراسم کشته شدن قاسم سلیمانی است، تعدادی بیخبر را بعنوان "عوامل داخلی" بازداشت و زیر شکنجه میبرد و به مناطق مرزی موشک پرانی خواهد کرد. امری که در فاصله چند روز پشت سرهم رخ داد. رسانه های جمهوری اسلامی و اطلاعاتی

های سپاه پاسداران مدعی اند که به "دو مقر مهم" جیش العدل در خاک پاکستان حمله و آنها را تماماً منهدم کرده اند و یا از شناسائی مقرهای فرماندهی داعش در سوریه و نابودی آنها با موشک های بالستیک خبر میدهند. این موشک ها در مناطق تحت کنترل "هینت تحریرالشام یا جبهه النصره" و "حزب اسلامی ترکستانی" در استان ادلب اصابت کرده است.

لذا ما با گسترش تحرک نظامی دولتها و نیروهای غیر دولتی جنبش اسلامی در منطقه بدنبال جنگ اسرائیل علیه مردم فلسطین روبرو هستیم که هر سوئی توجیهات خود را دارد و بعضاً به مسئله فلسطین وصل میکند اما هر کدام منافع خود را دنبال میکنند، برای مواقعی برتر خود در داخل کشور و در تقابل با رقبای منطقه ای تلاش می کنند، اما این تلاشها مطلقاً سر سوزنی ربطی به مردم فلسطین و رهائی آنها از یوغ آپارتاید اسرائیل و نسل کشی جاری ندارد.

دولتهای رقیب نیز در این جنگ منافع مختلفی دارند. عربستان سعودی خواهان جنگ در بغل گوشش نیست و تجربه جنگ شش ساله و به نتیجه نرسیده در یمن را در کارنامه دارد. تشدید بحران در خاورمیانه بنفع سیاست دولت چین و طرحهای بزرگ اقتصادیست نیست و میل نیست ائتلاف دولتهای غربی در خاورمیانه و راه های دریائی که آسیا را به آفریقا و اروپا وصل میکند اخلال جدی ایجاد کنند. روسیه شاید در متن جنگ اوکراین راضی باشد که اوضاع جنگی موقتاً گسترش یابد تا نگاه ها از اوکراین و روسیه دور شود اما از شلنگ تخته انداختن آمریکا و موئتلفینش خوشحال نیست. دولتهای اروپائی موضع یکسانی ندارند و حملگی دیوارهایشان را برای ورود مهاجران و فراریان از جنگ خاورمیانه بالاتر میبرند. تأثیرات جنگ در اوکراین روی اروپا و بویژه مردم عادی هنوز سنگین و نفسگیر است و رویدادهای ماههای اخیر در خاورمیانه و تأثیرات آن بر اقتصاد جهانی نیز اوضاع را پیچیده تر کرده است. مضافاً اینکه سیاست یکجانبه دموکراسی غربی و دفاع از نسل کشی دولت اسرائیل از یکسو و اعمال راسیسم علیه مهاجران توسط دول غربی از سوی دیگر، جدال را وارد کشورهای اروپائی کرده است. همه اینها و مسائل قدیم و حل نشده، اروپا را محتاط تر میکند.

ما با وضعیت صلح روبرو نیستیم تا از گسترش جنگ سخن بگوئیم، جنگ و یا جنگهای موسمی یک داده جهان امروز است. مخاطرات این اوضاع تنها ظرفیت گسترش جنگ و تکرار کشتارهای مهیب نیست بلکه شرایط سیاسی در کشورهای مختلف را هرچه بیشتر به راست سوق میدهد و به قدرتگیری نیروهای دست راستی و فاشیست نیرو میدهد. زمینه های این کشمکش جنگ قطبهای سرمایه داری برای شکل دادن به سیمای جهان بعد از افول آمریکا بعنوان رهبر و تنها ابرقدرت جهان و شکلگیری ساختارها و آرایش جدید قدرتها و قطبهای جهانی سرمایه داری است. خاورمیانه از این اوضاع منفک نیست و خود با بحرانهای قدیمی تر مانند مسئله تالکون لاینحل فلسطین و جنبش اسلام سیاسی بعنوان یک نیروی مدعی قدرت و بشدت دست راستی و ضد جامعه روبرو است. در عین حال خاورمیانه و جهان نیز دستخوش اعتراض و تغییر متناسب با زمانه خویش است. این دولتها و نیروهای ارتجاعی نهایتاً اوضاع سابق را با تغییراتی در جایگاه خود اعاده میکنند. در مقابل طبقه کارگر این کشورها و نسل جدید برای زندگی و آینده تلاش میکنند و بخشهای پیشرو جامعه منافع آتی و آتی خود را در فرجام کشمکش بالائی ها نمی بینند.

ما بعنوان حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست، منافع کارگران و مردم زحمتکش و نسل جدید پیشرو را در تناقض مهلک با اهداف ارتجاعی این جنگها و نیروهای ارتجاعی تر آنها میدانیم. خاورمیانه کنونی ماندگار نیست و "خاورمیانه جدید" مورد نظر بورژوازی یک عقبرگرد کامل به عهد عتیق است. راه حل تأمین امنیت و همزیستی مردم منطقه و جهان رهائی از سلطه میلیتاریسم و قدری و

صفحه ۵

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزیند!

پیچیده تر میکنند و هر آینه جنگ و کشمکش و رقابت آنها شرایط وخیم تری را به مردم در منطقه و جهان تحمیل میکنند.

ما طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کشورهای منطقه را به تقویت همبستگی انترناسیونالیستی و مبارزه برای سرنگونی دولتهای استبدادی و فاشیستی و اسلامی فرامیخوانیم. حل مسئله فلسطین و پایان دادن به مشقات بی پایان مردم محروم راهی جز تغییرات بزرگ در صحنه سیاست ندارد. تحولات انقلابی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی تأثیرات عمیقی در اوضاع منطقه و جهان ببار می آورد. موشک پرانی جمهوری اسلامی در منطقه فرار است شکنندگی اش را ببوشاند و معادله و صورت مسئله سیاست در ایران را تغییر دهد. سرنگونی جمهوری اسلامی ورق سیاست را در منطقه برمیگرداند و اسلام سیاسی و نیروهای موئتلف و نیابتی رژیم اسلامی را دچار حسیض می کند. طبقه کارگر و مردمی که در تلاش برای خلاصی از جمهوری اسلامی اند، تنها پلانتفرم امنیت و همزیستی مسالمت آمیز و پایدار در منطقه و نیروی تعیین کننده یک صف قدرتمند انترناسیونالیستی در برابر نیروهای متفرقه و مرتجع بورژوائی و جنگ طلب هستند. پیروزی و شکست در هر سوی جنگهای ارتجاعی جاری حاصلی جز گسترش سرکوب و فقر و ویرانی برای کارگران و مردم منطقه ندارد، اما یک پیروزی انقلابی در ایران و برآمد مجدد انقلابی در کشورهای مهم منطقه میتواند سنگ بنای خاورمیانه ای برآستی جدید و انقلابی باشد.

۱۷ ژانویه ۲۰۲۴

دارند، الفتخ و حماس، تا پوست و استخوان فاسدند.

اما این تلاش با مقاومت و مخالفت جهانی روبرو خواهد شد. میلیون ها نفری که در حمایت از مردم فلسطین و در محکومیت نسل کشی اسرائیل و آمریکا به خیابان ها آمدند در برابر چنین نقشه ای به اعتراض بلند خواهند شد. این جنبش همبستگی به مردم فلسطین پشتگرمی می دهد تا برای خواست عادلانه خود ایستادگی کنند. آینده ناروشن و شرایط وخیم است. اما امید به تغییر، امید به یک دنیای بهتر زنده است.



دادگاه لاهه، نظم جهانی و تداوم نسل کشی

آمریکا و طرح جدید "دو دولت مستقل"

آذر ماجدی

عمیق تر می شود. روشن است که از ابتدا و همیشه آمریکا به زور بمب و موشک بعنوان رهبر، بخوان قلدر، جهان شناخته شده است. اما این زور قلدر منشانه باید با یک اعتبار سیاسی-ایدئولوژیک تزئین شود. این اعتبار کاملا زوده شده است. آمریکا و غرب هر گونه اعتبار سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی خود را در چشم جهانیان از دست داده اند. این مشکل مهم و پیچیده ای است که غرب با آن دست بگریبان است.

تحمیل یک پروژه قلدر منشانه بعنوان نقشه جدید دو دولت مستقل از روز اول شکست خورده است. آنها دارند روی سه فاکتور حساب می کنند: 1- درد و رنج و استیصال طاقت فرسای مردم غزه. آنچنان سرکوب شان کرده اند که اطمینان دارند به هر چیزی رضایت می دهند. مردم ساکن ساحل غربی نیز از سرکوب و کشتار جانیشان به لب رسیده است. 2- دولت های منطقه را کاملا همراه کرده اند، یا با زور یا با رشوه. دیدیم که حتی حزب الله و حماس نیز قصد دخالت در جنگ علیه اسرائیل را ندارند. 3- سازمان هایی که ادعای رهبری در فلسطین

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



باحتمال قوی دادگاه به این پرونده رای نخواهد داد؛ نه به این خاطر که پرونده از نظر حقوقی ضعیف است، خبر علت سیاسی است. آمریکا، فرانسه، بریتانیا قطعاً رای نخواهند داد. اما اهمیت این محاکمه نه در رای آن، بلکه در جنبشی است که در دنیا حول آن شکل گرفته است. جنبش همبستگی با مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل و آمریکا جنبشی عظیم و در این قرن بی سابقه است. این جنبش سند زندهٔ دریده شدن تمام ماسک و حجاب تمدن، بشردوستی و آزادی طلبی آمریکا و غرب است.

دروغ و ریاکاری شان در مقابل چشمان جهان افشاء شده است. این جنبش و این بیداری و آگاهی جهانی به شکل گیری دادگاه لاهه انجامید و این دادگاه بنوبه خود مسأله فلسطین، نسل کشی اسرائیل و آمریکا را در مقابل چشمان جهان قرار داد. نتیجهٔ اخلاقی این روایت شاید تحقق آرزوی رفعت العرعیر شاعر و نویسندهٔ فلسطینی باشد که در شعری که پیش از مرگش سرود، آرزو کرد: "اگر قرار است بمیرم - بگذار امید بیاوریند" (رفعت همراه 4 فرزند و خواهرش ماه گذشته در بمباران در غزه به قتل رسید).

طرح جدید دو دولت مستقل؟

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در دوس اعلام کرد که "راه حل دو دولت تنها" راه واقعی امنیت برای اسرائیل است. "وی ادامه داد که "مسأله اینست که از اینجا به آنجا برسیم. روشن است که تصمیمات بسیار سخت و پیچیده ای لازم است. احتیاج به ذهنیتی دارد که نسبت به این افق باز باشد." اگر زبان دیپلماتیک و کلک مند ایشان را بشکافیم: میخوانند نقشه ای را به فلسطینیان بیاندازند. به گوشه ای دیگر منتقل شان کنند. این طرح دو دولت مستقل که بلینکن به آن اشاره دارد ربط چندانی به طرح توافق شدهٔ دو دولت مستقل که دارد در بایگانی تاریخ خاک می خورد، ندارد. (جیمی کارتر نیز در یک گفتگو اعلام کرد که طرح دو دولت تنها طرح جوابگو است، البته با تغییرات لازم!)

"نظم جهانی"

دادگاه لاهه و برخورد آمریکا و دولت های غربی به آن، نظام جهانی را دچار بحران و لرزش جدی نموده است. حجاب فریب و دروغ نهادهای بین المللی، سازمان ملل، دادگاه بین المللی حقوق بشر، یونیسف و یونسکو و تمام این نهاد های فریب و دروغی که برای جنایات تروریسم دولتی پوشش سیاسی ایدئولوژیک می سازند، دریده شده است. آمریکا و غرب هر چه بیشتر در سطح جهانی ایزوله و آبرو باخته شده اند. دنیا بشکل محسوسی دارد از وسط ترک می خورد. تحت فشار انفجار آمیز شهروندان دنیای سرکوب شده، غارت شده و وحشیانه استثمار شده، برخی دولت های باصطلاح "جنوب" به جنب و جوش افتاده و دارند با مقولات دوره جنگ های آنتی کولونیالیستی سخن می گویند. آفریقای جنوبی یک نمونه شاخص است؛ حملات نامیبیا به دولت آلمان در مورد نسل کشی در نامیبیا، نمونه دیگری از این جنگ فعلاً لفظی است.

دنیای سرمایه داری در بحران عمیقی دست و پا می زند. دولتمردان جنگ، ویرانی و کشتار را راه برون رفت از این بحران تشخیص می دهند. نزدیک به دو سال جنگ و کشتار و ویرانی در اوکراین و صرف میلیاردها دلار برای سلاح و بمب به گسترش جنگ در خاورمیانه و نسل کشی در غزه انجامید. جنگ هم اکنون دارد به آفریقا کشیده می شود. رهبران غرب در دوس قول دادند که اجازه نخواهند داد پوتین برنده شود. اما نوتل ماکرون گفت: "اگر به روسیه اجازه بُرد بدهیم، با این خطر مواجه خواهیم شد که قوانین تثبیت شدهٔ نظم جهانی دیگر محترم شمرده نخواهد شد."

"نظم جهانی" مقوله کلیدی است. از پایان جنگ سرد، آمریکا به سرکردگی غرب دنیا را به جنگ و ویرانی کشانده است تا رهبری خویش بر "نظم نوین" را تثبیت کند. میلیون ها انسان فقط در خاورمیانه به قتل رسیده اند. میلیون ها نفر آواره و در بدر شده اند. فقر در منطقه بیداد می کند. مدنیت از آن رخت بریسته است. و این جنگ هنوز ادامه دارد.

نظم جهانی ترک برداشته است. این ترک روز به روز

دادگاه لاهه، نظم جهانی و تداوم نسل کشی آمریکا و طرح جدید "دو دولت مستقل"

آذر ماجدی

بیش از ۱۰۰ روز از نسل کشی در غزه می گذرد. دنیا به خشم و خروش آمده است. میلیون ها نفر به خیابان ها آمده اند و خشم و انزجار خود را از این جنایت سازمان یافته و برنامه ریزی شده ابراز کرده اند. اما اسرائیل کماکان به کشتار و پاکسازی غزه ادامه می دهد؛ آمریکا و غرب نیز همچنان همه جانبه از این نسل کشی حمایت می کنند. جنگ در منطقه گسترش یافته است. علیرغم آنکه، در کمال ناباوری عمومی، حزب الله به حملات هوایی اسرائیل که منجر به کشته شدن معاون حماس و یکی از رهبران حزب الله شد پاسخ نداده است؛ (رهبر حزب الله اعلام کرد که باید به امنیت لبنان بیاندیشند.) حملات آمریکا و بریتانیا به یمن که از هفته پیش، در روز اول دادگاه بررسی پرونده نسل کشی اسرائیل در دادگاه لاهه آغاز شد، همچنان ادامه دارد. امروز آمریکا و بریتانیا سه شهر یمن را بمباران کرده اند. در حاشیه این حملات، جمهوری اسلامی به اربیل حمله کرده است (اعلام کرده که یک پایگاه جاسوسی موساد را زده) و سپس به پاکستان و پاکستان هم تلافی کرده است.

این شرایطی بسیار وخیم و خطرناک است. خطر گسترش آتش جنگ به کل منطقه کابوس ترسناکی است که بالای سر دنیا قرار گرفته است. همانگونه که از ابتدا پیش بینی کردیم، این جنگ مانند حملات بیست سال اخیر اسرائیل به غزه نیست. پاکسازی کامل انسانی غزه، از ابتدا، هدف اسرائیل و آمریکا و غرب بوده است و دارند به انجامش می رسانند. پاکسازی کامل غزه یک نقشهٔ قدیمی است که مرحله به مرحله به اجرا گذاشته شده و اکنون فصل آخر آن دارد عملی می شود. دو میلیون انسان آواره شده اند و در چادر زندگی می کنند؛ همان نقشه اعلام شدهٔ اولیه. البته در ابتدا برنامه شان گسیل این انسان ها به صحرای سینا بود ولی هنوز نتوانسته اند با مصر به توافق برسند. گزینه ارسال این دو میلیون انسان به کنگو نیز مطرح شده است. اما کنگو خود در آستانهٔ یک جنگ قرار دارد.

پرونده نسل کشی اسرائیل در دادگاه لاهه

آمریکا و بریتانیا از همان ابتدا مخالفت خود را با آفریقای جنوبی و پرونده نسل کشی اعلام کردند. آلمان نیز سریعاً به آنها پیوست و بالاخره فرانسه نیز مخالفت خود را اعلام کرد. وزیر امور خارجه فرانسه اعلام کرد: "تا آنجا که به دیوان بین المللی دادگستری مربوط می شود، ما قطعاً به اسرائیل اعلام می کنیم که قوانین بین المللی به همه مربوط می شود و بمباران سیستماتیک غزه باید متوقف شود. اما کلمات دارای معنا هستند و متهم کردن دولت یهودی به نسل کشی مرز اخلاقیات را درمی نوردد. ما نمی توانیم از مقوله نسل کشی بخاطر اهداف سیاسی سوء استفاده کنیم. این موضع منسجم ماست." (توجه کنید! دولت فرانسه یک دولت کاملاً لائیک است، سکولار است، اما اتهام نسل کشی به دولت یهودی را مغایر با اخلاقیات می داند و معتقد است موضعش کاملاً منسجم است.) بعلاوه، آمریکا و بریتانیا از همان روز اول دادگاه، بمباران یمن را آغاز کردند. یک مسأله شوک آور سانسور روز اول دادگاه، یعنی اعلام جرم آفریقای جنوبی علیه اسرائیل، در بسیاری از رسانه های بستر اصلی غرب، از جمله بی بی سی و سی ان ان است. دموکراسی غرب با سر دارد به زمین می خورد.

در تمام طول هفته اجلاس دادگاه لاهه، اسرائیل حتی یک روز بمباران، کشتار و ویرانی غزه را متوقف نکرده است. دیروز دانشگاه فلسطین را با کارگذاری بمب منفجر کرد. تاکنون هر چهار دانشگاه و 350 مدرسه غزه را با خاک یکسان کرده است. آمریکا، بریتانیا و اروپا خیلی صریح و روشن اعلام کرده اند که تا پایان در کنار اسرائیل خواهند ایستاد.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با حملات موشکی جمهوری اسلامی به کردستان عراق

دقایقی قبل از نیمه شب دوشنبه ۲۵ دیماه شهر اربیل و مناطق اطراف آن مورد حمله موشکی جمهوری اسلامی قرار گرفت. چهار فروند از این موشک ها به یک منزل مسکونی اصابت کرده و بقیه در اطراف فرودگاه اربیل و کنسولگری امریکا و فرودگاه اربیل باعث ویرانی در آن مناطق شده است.

در این حمله جنایتکارانه رژیم اسلامی ایران ۴ نفر کشته و ۷ نفر مجروح شدند. طبق اخبار منتشر شده جمهوری اسلامی در همین روزها نقاطی را در سوریه و پاکستان نیز موشک باران کرده است.

حمله جمهوری اسلامی به شهر اربیل با اعتراض مردم خشمگین و عصبانی این شهر روبرو شده است.

مردم در مقابل مقر سازمان ملل در اربیل اجتماع کرده و با سر دادن شعار "ایران تروریست، تروریست ایران" به جمهوری اسلامی اعتراض کردند.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بلافاصله مسئولیت این حملات را بعهدہ گرفت. اما هذیان گویی در چرایی این حملات در بیانیه های متناقض آنها نشان از سردرگمی و دست و پا زدن این رژیم در تحولات منطقه ای دارد. حمله موشکی به شهر اربیل و کشتن مردم عادی از قرار معلوم جواب "سخت" رژیم به بمب گذاران کرمان و رژیم اسرائیل است. جوابی که موجب ریشخند و تمسخر مردم عادی شده است.

جمهوری اسلامی در واقع با چنین اعمال جنایتکارانه ای کماکان می خواهد ضعف و بحران های متعدد خود را پرده پوشی کند. یک روز با مظلوم نمایی از واقعه کرمان و روز دیگر با این نوع ماجراجوییها بخصوص در حالیکه به پیشواز یک انتخابات بی رونق می رود میخواد، با حاکم کردن فضای امنیتی و ایجاد ترس در جامعه خود را حکومتی مقتدر و طرفدار آسایش و امنیت جامعه در فضای جنگی منطقه نشان دهد.

اما امروز دیگر بر همگان روشن است که ترس اصلی جمهوری اسلامی نه آمریکا و اسرائیل و نه داعش همنوع خود اوست. کل این تلاش های مذبحخانه برای ساکت کردن مردم معترض و جان به لب رسیده در جامعه ایران است. جامعه سرشار از نارضایتی است و اعتراضات روبه افزایش. این شرایط آن خطر واقعی است که جمهوری اسلامی بر آن واقف است و از آن رهایی نخواهد یافت.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست حمله جنایتکارانه جمهوری اسلامی به شهر اربیل را محکوم میکند و ضمن همدردی با خانواده و بستگان جانباختگان این یورش و آرزوی بهبودی برای مجروحان، از اعتراض برحق مردم کردستان عراق در مقابل جمهوری اسلامی پشتیبانی میکند و از همه احزاب سیاسی و نهاد و تشکلهای انساندوست می خواهد ضمن محکوم کردن این جنایت، برای کوتاه کردن دست جمهوری اسلامی از سر زندگی و امنیت مردم منطقه تلاش کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۶ دی ماه ۱۴۰۲

۱۶ ژانویه ۲۰۲۴

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشباوری انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی طلب اینبار به مراتب تحزب یافته تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمیپذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افقها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



حتی حاضر نیستند روز انتخابات در خیابان به پیاده روی روزانه شان بروند. سیرک انتخاباتی که قرار است ۲۹۰ نفر مرتجع به قلاده کشیده شده را بیاورند که برای نان سفره ی مردم قیمت بگذارند، صندوق های بازنشستگی را خالی کنند و رسماً به گروه دزدان سرگردنه رژیم بیبوندند و خود چاق و چله شوند. این انتخابات در دورانی اتفاق می افتاد که نفرت عمومی هرگز از رژیم این چنین عمیق و آشکار نموده است. اکنون ناگهان فاکتور زنان بار دیگر وارد محاسبات می شود. آخوندها و سران رژیم یکی پس از دیگری فتوا صادر میکنند، به زنان خدمات ندهید، دیگری می گوید زنان بی حجاب هم می توانند رای بدهند. قسم روباها را باید باور کرد یا دم خروس را؟

تأثیرات مبارزه ی زنان بعنوان یک فاکتور مهم، قتل دهها جوانی که هنوز در خیابان خون هایشان پاک نشده است برفضای سیاسی ایران سنگینی می کند. تبلیغات انتخاباتی رژیم با رویگردانی وسیع مردم هم اکنون روبرو شده است. بگیر و به بندهای آموزش و تقسیم های انتخاباتیشان نه از سر قدرت (چرا که هنوز اثرات ضربه خیزش ۱۴۰۱ را روی صورتشان احساس میکنند) بلکه برای بازگشت اعتماد به نفس صفوف خودی است.

این انتخابات هم برگزار خواهد شد و مجلسشان را پُر خواهند کرد. اما واقعیت این است که بحران رژیم با مردم آنچنان عمیق است که با هیچ ترفندی پر نخواهد شد و مردم همچنان در کمین باقی نمانده اند.

نبرد برای مقابله با سیستم آپارتاید جنسی در ایران نبردی سرنوشت ساز است که همچنان ادامه دارد. حجاب سمبل ستم برزن و به انقیاد کشیدن نصفی از جامعه است که باید پایان پذیرد. پایان ستم بر زن در ایران درگرو پیشروی مبارزات کارگران و زحمتکشانی است که امروز بیشتر از همیشه بار بی حقوقی و فقر و نبود یک زندگی شایسته انسان را با تمام وجودشان احساس میکنند. پیروزی این نبرد در قدم اول درگرو سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی امکانپذیر است. راه دیگری وجود ندارد.



آزادی به شرط چاقوی رژیم،

نیلوفر حامدی و الهه محمدی آزادی شدند!

اما؟

پروین کابلی

فیلمهای منتشر شده از لحظه ی آزادی نیلوفر حامدی و الهه محمدی تصویرر روشنی از آنچه را که در ایران در تقابل با جمهوری اسلامی میگذرد نشان می دهد. دو زن زندانی سیاسی با انگشتان بالا رفته به نشان پیروزی و بدون روسری، در آغوش خانواده و جمعیتی تقریباً بدون حجاب قرار مگیرند. این در خود یک پیروزی بزرگ است. این همان صحنه ای است که هنگام آزادی سپیده قلیان افتاد و فریاد زد (خامنه ای ضحاک میکشیمت زیر خاک) به خانه های مردم در سراسر ایران راه یافت. این همان است که سپیده ی رشنو در باره اش نوشت (شما به آگاهی و اراده ها باخته اید) و این همان است که رویا حشمتی برایش شکنجه شد و شلاق خورد. اما قداقم کرد و داستانش را نوشت.

آنچه که نیلوفر حامدی و الهه محمدی به خاطرش زندانی شدند، بیان حقیقت یک جامعه است. آنها نوشتند که دختری بنام مهسا امینی را به جرم بی حجابی گشتند. آنها نوشتند که در آرامستان آچی چه گذشت. روایت خود را نوشتند و منتشر کردند. معنای عملی این روایت، خیزش انقلابی ۱۴۰۱ شد که منتظر جرقه ای بود. جرقه را نام مهسا زد و خیزشی شکل گرفت که هزاران مهسا، نیکا و سیاوش، محمد رضا، حدیث به خاک افتادند و محسن شکاری، محمد حسینی، محمد مهدی کرمی به دار آویخته شدند و توماج و یاسین سامان ها را به بند کشیدند، ولی هزاران نفر دیگر در سراسر جهان فریاد زدند، بنام زن بنام آزادی. امروز هنوز جوهر امضای پای ورقه ی آزادی الهه و نیلوفر خشک نشده است که پرونده ی جدیدی علیه آنان تشکیل شد و به زودی دوباره به زندان باز خواهند گشت. این را میگویند آزادی به شرط چاقو یا شمشیر داموکلس که بالای سر فعالین و آکتویستها آویزان است.

سرعت پرونده سازی و تنظیم اتهامات برای فعالین سیاسی در ایران از سرعت عبور امواج صوتی در کهکشان ها اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. در ایران زندگی مردم سالهاست که به گروگان گرفته شده است و اگر رسماً در اوین و قزل حصار، عادل آباد شیراز، بسرنمیرند اما در زندانی بنام ایران با فقر و بیکاری و بی حقوقی روزگار را سر می کنند.

روایت و پرونده ی رژیم برای الهه و نیلوفر، پرونده ای برای آنها نیست. پرونده ای بر علیه انقلاب است. از نظر رژیم که در گزارش خبرگزاری فارس به روشنی منعکس است اتهامات این دو نفر همکاری با آمریکا، ارتکاب جرم برضد امنیت کشور و فعالیت و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی است. این اتهامات با جزئیاتی کمتر یا بیشتر می تواند پرونده ی هر کسی باشد. سپیده قلیان، رشنو، محمد حبیبی، رضا شهابی، یا کارگران اعتصابی فولاد، بازنشستگان فقیر، یا معلمان و همه کسانی که حرفی در ایران برای گفتن بر علیه رژیم و سیاست های جنایتکارانه اش دارند، مهمت به حساب می آیند و باید تاوان پس دهند.

در پس همه ی این دعوها، تبلیغات رژیم، لایحه های جدید و شاخ و شانه کشیدن ها حکایت از این دارد که مبارزه برای حقوق انسانی و آزادی زنان هنوز جزو مبارزه روزمره مردم در ایران است. برای پی بردن به این، باید مصلحت گرایی سخنگویان ریز و درشت دولت که اکنون به بسوی انتخابات مجلس شورای اسلامی می رود را به سخره گرفت و متوجه شد که تمام تلاش آنها برای جلوگیری از آبروریزی در انتخابات است. میدانند اگر با زور سر نیزه نباشد مردم



ممکن است حکم جنایتکارانه اعدام در موردشان اجرا شود.

در شرایط امروز، صدور پی در پی احکام اعدام، یک ابزار سرکوب انقلابیون و مواجهه با امواج قریب الوقوع مبارزات کارگری و توده ای انقلابی است. اما اعدام و سرکوب تاکنون نتوانسته هیچ نظام دیکتاتوری را بیمه کند. جمهوری اسلامی شاید بتواند تعدادی از انقلابیون و مخالفین سیاسی را اعدام کند اما نمیتواند عزم تغییر انقلابی و مبارزه برای امر آزادی و برابری را اعدام کند.

جمهوری اسلامی و دادگاه هایش صلاحیت صدور هیچ حکمی را ندارند، کلیه احکام صادر شده باید لغو شوند! در داخل کشور مقابل زندانها اجتماع کنیم. در خارج کشور با ابتکارات مختلف علیه اعدامها تلاش کنیم. در اجتماعات علیه حکومت اسلامی اعدام فعالانه شرکت کنیم. علیه حکومت اعدام بپاخوریم!



تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست ایرانیان آزادیخواه و مخالفین رژیم اسلامی را به اعتراضات وسیع و گسترده در اقصی نقاط جهان علیه احکام و اجرای عمل شنیع اعدام فرا میخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ ژانویه ۲۰۲۴

اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست

اعدام قتل عمد دولتی است، علیه حکومت اعدام بپاخوریم!

اعدام "مجازات" نیست، سلب حق حیات انسانی است. هدف اعدام ارباب جامعه و تسلیم مردم به منویات طبقه حاکم است. اعدام سازماندهی و طراحی گرفتن جان فرد یا افرادی با قصد و نقشه قبلی است. اعدام قتل عمد آگاهانه دولتی است. دولتها زیر پوشش کاذب "نماینده جامعه"، "اجرای عدالت و قانون"، شرایط جنگی و مخالفت با قدرت فائقه می کشند و نیروهای مترجع غیر دولتی زیر پوشش "نوامیس ملی و مذهبی" و تعصبات واپسگرای ایدئولوژیک دست به جنایت میزنند. هر دو یک اقدام را عملی میکنند؛ قتل و نابودی کسانی که در دستگاه "عدالت" دلبخواهی اینان "مجازات اعدام" دریافت کرده اند.

برخلاف توجیهات رسمی که اعدام را "روش رسمی برای مصونیت جامعه از قاتلین و جنایتکاران" معرفی میکنند، عمده اعدامها و گرفتن آگاهانه و عامدانه جان شهروندان به دلایل دیگری صورت میگیرد؛ به جرم آزاد بودن، به جرم تن ندادن به شوونیسم مردسالار، به جرم گردن نگذاشتن به آتوریته دولت و قدرت فائقه و یا مراجع مذهبی و عشیره ای و قومی.



در سال ۲۰۲۳ میلادی به گزارش نهادهای حقوق بشری جمهوری اسلامی ۷۴۶ انسان را به بهانه‌های مختلف اعدام کرده است. هم اکنون نیز دهها نفر در لیست اعدام قرار دارند؛ مجاهد کورکور، رضا رسایی، حسین محمدی، میلاد آرمون، ماکان داور، پژمان فاتحی، وفا آذریار، محسن مظلوم، محمد فرامرزی و... از جمله کسانی هستند که هر آن

مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول میگیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



به اصلاح حکومتی «شهدا» و بخصوص آخوندها به عنوان مؤسس، دلیل دیگری بر اثبات طرفداری آنان از برنامه های چپولگرانه حکومت اسلامی در جهت غارت جیب مردم است. از سوی دیگر همین موسسات هستند که با قراردادهای توافق و کوتاه مدت و موقت و معیشتی پائین تر از خط فقر معلمان را نیز در کنار خانواده دانش آموزان به آنان تحمیل میکنند.

در چنین شرایطی که فقر، فلاکت و تورم جامعه را فرا گرفته، شاهد خودکشی دست کم ۵ دانش آموز در مدت اخیر در پی ناامیدی و فلاکت و فقری که خانواده هایشان را فرا گرفته هستیم و بر همین اساس و بر طبق گزارشات در چهار سال گذشته بیش از ۱۰ میلیون دانش آموز از سر فقر و ناداری ترک تحصیل کرده اند.

دوام مبارزات طبقاتی معلمان شاغل و بازنشسته!

معلمان در سراسر کشور مشخصا از دهه نود شمس دست به اعتراضات مختلف زده و حول شوراهای صنفی و شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان همواره بخاطر معیشت و منزلت خود دست به اعتراضات و اعتصابات مختلف زدند. رتبه بندی و همسان سازی جز خواسته های معین فرهنگیان شاغل و بازنشسته بوده اما چیزی جز سرکوب و انتظارنگه داشتن آنان از سوی حکومت بدنبال نداشته است.

در مضحکه طرح رتبه بندی شاهد دور زدن آن به شکلهای مختلف از طرف بالا دستها بودیم که در نتیجه آن نه تنها حق به حقدار نرسید بلکه اجرای رتبه بندی در مورد ۴۰۰ تن از معلمان که فعالیت های صنفی داشتند بنا به دستور مسئولین آموزش و پرورش به عنوان جرمه فعالیت های پیشروشان عملا اجرا نخواهد شد.

در نتیجه اکثریت آشکار معلمان و فرهنگیان در پی دوام استثمار طبقاتی و انواع فشارها و تهدیدات در پی بیان خواسته های طبیعی شان و در زیر سایه فقر و فلاکت تحمیل شده باید به مبارزات طبقاتی خود ادامه دهند.

ادامه اعتراضات مداوم و سراسری بازنشستگان کشوری در پی عدم اجرای همسان سازی حقوق، عدم بهره مندی مفید از بیمه خدمات درمانی و سایر خواسته های نشانگر لزوم دوام مبارزات پیگیر کف خیابان و همبسته با سایر بخش های زحمتکش و مزدبگیر جامعه جهت عقب راندن حکومت اسلامی و گرفتن خواسته های خود می باشد.

وضعیت کنونی این سوال دردناک را مقابل فرهنگیان و بخصوص بازنشستگان میگذارد که فلاکت و متحمل شدن اینهمه بدبختی تا به کی؟ بازنشستگان چرا بجای آرامش درس بازنشستگی که آن هم اخیرا افزایش یافته است، مشغول کار در سنین کهولت باشند؟

امروز دیگر بازنشسته و شاغل به این نتیجه رسیده اند راهی غیر از اعتراضات منسجم و گرفتن حقشان در کف خیابان ندارند. هدف از این مبارزه تنها رسیدن به خواسته های حداقلی معلمان و فرهنگیان نیست، بلکه هدف کلیت سیستم سرمایه داری هار اسلامی است که باید سرنگون شود و نه تنها فرهنگیان و معلمان که کل گارگو زحمتکش جامعه به رفاه و آسایش و برابری دست یابند.

قطعا پیوستن به تشکل های صنفی و بخصوص شورای هماهنگی تشکل های فرهنگیان وظیفه بخش های ساکت مانده بدنه معلمان و سایر فرهنگیان در سراسر کشور بوده تا بتوان از این طریق به صورت سازمان یافته و با پرداخت هزینه های کمتر گام های پیشروی مبارزاتی برداشته شود.

۱۴۰۲ دی ۱۴۰۲

شکست ایدئولوژی اسلامی در مدارس؛ دوام بنگاه سازی در مدارس و ادامه مبارزات معلمان!

فاطمه عسگری

علی رغم تبلیغات مختلف حکومت هار اسلامی در رابطه با جایگزین کردن طلاب با معلمان وزارت آموزش و پرورش، دست به استخدام ۷۲ هزار معلم جدید زده است که خود به نوعی نشان می دهد که حکومت هر چند که خواهان از بین بردن سیستم آموزشی کشور بوده ولی در عمل مجبور به استفاده از معلمان در عمر تحصیل می باشد.

نمونه ها از عدم موفقیت آموزش و پرورش در مغز شویی و مسموم کردن به ایدئولوژی اسلامی دارای فکت ها و نمونه های بسیاری مخصوصا در چند سال اخیر می باشد. نمونه هایی همچون مسخره کردن دروس دینی توسط دانش آموزان در پلتفرم های اینترنتی از دوران کرونا تا به امروز، مسخره کردن ویب اعتنایی دانش آموزان در چند مدرسه به طلبه و آخوند هایی که اخیرا به مدارس تحمیل شده اند و تمسخر مذهب و مراسمات مختلف مذهبی تحمیل شده از سوی حکومت اسلامی در مدارس خود گواه شکست هرگونه دست اندازی مذهب در مدارس و سیستم آموزشی کشور دارد.

علاوه بر این فکت ها حضور دانش آموزان دختر و پسر در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به عنوان نیرویی نوظهور در عرصه مبارزات انقلابی و به آتش کشیدن حجاب این سمبل بردگی اسلامی بر زنان دلیلی محکم بر کارساز نبودن هرگونه تحمیل ایدئولوژی مذهبی در کلیت سیستم آموزشی کشور است. اتفاقا رژیم اسلامی پس از همین مبارزات دانش آموزی و دانشجویی و به زیر پا انداخته شدن کلیت مذهب لمپن اسلامیست که تلاش میکند به هر طریقی که شده ایدئولوژی ورشکسته اسلامی خود را به مدارس و دانشگاه تحت عناوین مختلف تحمیل کند، اما همیشه با شکست روبرو میشود.

در پی تمامی شکست های پروژه اسلامیزه کردن مدارس و دانش آموزان، رژیم با بی شرمی تمام بخشی از مساجد را می خواهند به آموزش و پرورش جهت تحمیل در این مراکز خرافه و تعفن اختصاص دهند.

دوام بنگاه سازی از مدارس و سیستم آموزشی پایه!

مسئولین مربوط به آموزش و پرورش اذعان می کنند بر چگونگی دریافت شهریه در مدارس نظارت داشته و از دریافت غیرقانونی شهریه جلوگیری میکنند. این یک دروغ محض است و هدفی جز پر کردن جیبشان ندارند. بطوری که از طرفی بخشنامه داخلی به مدیران مدارس جهت اخذ هزینه هایی همچون کمک به مدارس دولتی صادر می کنند.

در همین حال در رسانه های حکومتی مسئولین مختلف آموزش و پرورش همواره به دروغ اعلام میکنند بعضی از مدارس را بعلت دریافت شهریه اضافی جریمه کرده و شهریه های مازاد را به اولیا برگردانده اند. به غیر از مدارس دولتی شاهد افزایش سرسام آور شهریه ها و هزینه های مختلف در مدارس غیرانتفاعی هستیم که عملا به بنگاه سرمایه داری در سیستم آموزشی بدل شده است. وجود مدارس غیرانتفاعی عملا چیزی جز سرکبسه کردن مردم و افزودن به ثروت موسسان آن نیست که اکثر شامل خانواده های رزمندگان، ایثارگران و افرادی می باشد که به رانت حکومتی مربوطند. نقش جانبازان، خانواده

مرگ بر سرمایه داری!

یادداشتها

سیاوش دانشور

تحصن کریم سیاحی در مقابل گروه ملی فولاد

آقای کریم سیاحی از رهبران عملی گروه ملی فولاد اهواز و از کارگران خوشنام و سخنور در اعتراضات فولاد، بدنبال ممانعت و کارشکنی کارفرما و مدیریت برای بازگشت به کار، بمدت دو روز در مقابل درب ورودی گروه ملی صنعتی فولاد ایران در اهواز دست به تحصن زد.

کریم سیاحی جزو کارگرانی است که توسط کارفرما با پرونده سازی اخراج شده بود اما کارگران اخراجی با طرح شکایت از اداره کار رای بازگشت به کار گرفتند. کارفرما اما با اعمال فشار جانبی از بازگشت به کار کریم سیاحی ممانعت کرد و وی را برای تسویه حساب به شرکت فراخواند.

این تحصن یکنفره با حمایت کارگران فولاد و همکاران وی روبرو بود و امکان اعتراض و اعتصاب مجدد وجود داشت. لذا تلاش برای خاتمه تحصن آغاز شد و با وعده حل مسئله دست بدامن والدین آقای سیاحی شدند. کریم سیاحی به احترام خواست مادر و پدر خویش دست از تحصن کشید اما اعلام کرد چنانچه در مورد بازگشت به کار وی ترتیب اثر داده نشود، وی اینبار به اعتراض نامحدود دست خواهد زد.

پرونده کریم سیاحی بسیار شبیه به پرونده اسماعیل بخشی از کارگران خوشنام و رهبران کارگران هفت تپه است. وحشت کارفرمایان و نیروهای امنیتی از کارگرانی مانند کریم سیاحی و اسماعیل بخشی و رهبران عملی بانفوذ در میان کارگران حد و حصر ندارد. حمله به کریم سیاحی یعنی انتقام کارفرما از اتحاد پولادین کارگران گروه ملی. کارفرمایان و بانک ملی و مشخصا علی محمدی با این اقدام تلاش میکنند از عروج اسماعیل ها و کریم ها جلوگیری کنند و رهبران عملی کارگران را به محافظه کاری و سکوت وادارند.

این وظیفه همکاران کریم سیاحی در گروه ملی فولاد اهواز است که سیاست امنیتی ها و کارفرما را خنثی کنند و آنها را سرچایشان بنشانند. در مملکتی که فساد و ارتشا و اختلاس افسار بریده است و مشخصا در صنایع فولاد کشور پرونده های قطوری دارد، مقابله با کارگران شریف و مبارزی مانند کریم سیاحی که صدای هزاران کارگر فولاد برای حقوق پایمال شده شان بوده است، یعنی رفع مزاحمت برای تداوم استثمار شدید و سرکوب و چپاول اموال کارگران. اگر مملکت نیمچه قانونی داشت، این کارفرمایانی مانند اسدیگی و محمدی بودند که باید پشت میله های زندان بودند و از ورود به مراکز کار منع میشدند نه افراد شریف و مبارزی مانند اسماعیل بخشی و کریم سیاحی.

بازگشت به کار کریم سیاحی و کلیه همکاران اخراجی از خواستهای کارگران فولاد است. حال که علی محمدی در مقابل خواستهای کارگران مقاومت میکند و حتی به قول و قرارهای آخرین جلسه استانداری پایبند نیست و در مقابل بازگشت به کار کریم سیاحی کارشکنی میکند، بر کارگران فولاد است که اعتصاب و اعتراض را مجدداً آغاز کنند. کارفرمایان فقط زبان زور را می فهمند و وقتی منحنی سودشان سقوط میکند کوتاه می آیند. همین اقدام را باید کارگران هفت تپه در قبال اسماعیل بخشی این چهره خوشنام و مهم جنبش کارگری انجام میدادند. هنوز دیر نشده است و هنوز کارگر هفت تپه شرایط کار و دستاوردهایش را مدیون افرادی مانند اسماعیل بخشی و همزمانش میداند.

کریم سیاحی و اسماعیل بخشی را باید با احترام و روی شانه کارگران به شرکت آورد تا هر کارفرمایی بفهمد که نباید با دم شیر بازی کند.



#بازگشت_بکار_کریم_سیاحی
#بازگشت_
بکار_اسماعیل_بخشی
#گروه_ملی_فولاد_اهواز
#هفت_تپه

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

کشتار کودکان با شعار "الله و اکبر" در باره حمله موشکی پاکستان

عکس زیر تعدادی از "تروریست"ها هستند که شامگاه امروز پنجشنبه ۲۸ دیماه توسط ارتش پاکستان در شهرستان سراوان بلوچستان با موشک به قتل رسیدند. در این موشک پرانی ۵ کودک و ۴ زن و یک مرد به قتل رسیدند. این حمله موشکی جمهوری اسلامی پاکستان به سراوان بلوچستان ایران بدنبال حمله موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران به منطقه پنجگور در بلوچستان پاکستان صورت گرفته است.

بیانیه وزارت خارجه جمهوری اسلامی پاکستان و اظهارات رسمی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن تملق متقابل و دفاع از "تمامیت ارضی" طرفین مضحک است. استدلال هر دو بدنبال موشک پرانی یکی است: "به تمامیت ارضی شما احترام میگذاریم و صرفا در خاک شما اتباع تروریست خود را زده ایم". اظهارات تاکنونی منابع غیر رسمی میگویند در هر دو مورد موشک پرانی طرفین اطلاع داشته اند.

وقتی دو ارتجاع و دو منبع تروریسم اسلامی از "مبارزه با تروریسم" سخن میگویند، باید دو بار فکر کرد. برای این عملیات ها هربهانه و توجیهی داشته باشند، واقعیت مهمتر اینست که با ایجاد فضای جنگی در بیرون مرزهای دو کشور- اعم از ایران و عراق تا پاکستان و ترکیه- دولتها تلاش دارند توجه ها را از بحرانهای داخلی به بیرون منتقل کنند. همیشه دولتهایی که با بحران زندگی میکنند، بحران را با بحران و فرار بجلو پاسخ میدهند. در این میان این مردم عادی و کودکان بیخبر هستند که قربانی مسابقه ترور و تاجر دولتهای تروریستی میشوند.

۱۸ ژانویه ۲۰۲۴

#نه_به_تروریسم_اسلامی



مرگ بر جمهوری اسلامی!



ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تجمع اعتراضی مجدد کارگران شرکت نفت

یکشنبه ۲۴ دیماه کارگران شرکت نفت فلاتقاره، شاغل در منطقه سیری و شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست و مطالباتشان مجدداً تجمع نمودند. اهم مطالبات: برکناری مدیران نالایق، حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک‌پی، عدم ادغام و دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان.

اعتراض رانندگان پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی

در پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی رانندگانی هستند که با کار شبانه روزی فقط ۸ میلیون تومان حقوق می‌گیرند. خواست چندین ساله کارگران بیمانکاری پالایشگاه‌های مجتمع گاز پارس جنوبی، حل مشکل قرارداد کار رانندگان، بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل و تغییر سیستم اقماری کارکنان اداری پشتیبانی به سیستم دو - دو است که بارها به عدم تحقق آن اعتراض کرده‌اند.

تجمع کارکنان استخدامی سال ۹۳ به بعد وزارت نفت اهواز

روز شنبه ۲۳ دیماه تعدادی از پرسنل استخدامی ۹۳ به بعد با تجمع در ستاد مناطق نفت‌خیز، به تصمیم مسئولین مبنی بر حذف ریالی یک گرید اعتراض کردند.

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث شاغل در پارس جنوبی

گروههایی از کارگران ارکان ثالث مجتمع‌های گاز پارس جنوبی از جمله پالایشگاههای ششم، دهم و دوازدهم، صبح روز شنبه ۲۳ دی ماه در اعتراض به عدم تحقق مطالبات خود تجمعاتی برگزار کردند. مهمترین خواسته این کارگران، بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل، تغییر سیستم اقماری نیروهای اداری پشتیبانی به دو- دو یا همان ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و ساماندهی وضعیت رانندگان است. شنبه گذشته و پس از تجمعات گسترده این پرسنل، پیام‌های تهدیدآمیز متعددی از سوی نهادهای امنیتی برای شمار زیادی از کارگران پالایشگاههای پارس جنوبی ارسال شده بود.

فرار مدیرعامل شرکت ملی نفت از نمایشگاه صنعت نفت

روز یکشنبه ۲۴ دی، همزمان با برگزاری نمایشگاه ساخت تجهیزات نفتی در اهواز، جمعی از کارگران قرارداد معین، شهروندان اهوازی و جوانان بیکار مناطق نفتی غیزانیه و هویزه با تجمع در ورودی سالن افتتاحیه ضمن طرح مطالبات خود به عملکرد شرکت های نفتی در موضوع استخدام ها و گسترش آلاینده‌گی اعتراض کردند که در نهایت با درگیری شدید عوامل امنیتی و حراست نفت با مردم معترض، خجسته مهر مدیرعامل نفت، از نمایشگاه فرار و به تهران بازگشت.

تجمع کارگران و کارکنان نگهداری خطوط راه‌آهن یزد

شنبه ۲۳ دی ۱۴۰۲ کارگران راه‌آهن یزد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل ساختمان استانداری یزد دست به

تجمع زدند. این کارگران خواستار افزایش دستمزد، به روز شدن پرداخت حقوق‌ها، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، ساماندهی قراردادهای هدف بالا رفتن امنیت شغلی، عقد قرارداد بیمه تکمیلی، تخصیص کارت‌های هدیه مناسبی و ایجاد تشکل کارگری هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت داروپخش تهران

یکشنبه ۲۴ دی کارگران شرکت داروپخش تهران در اعتراض به دستمزدهای پایین دست به اعتراض زدند.

تجمع اعتراضی معلمان خرید خدمات

چهارشنبه ۲۷ دی معلمان خرید خدمات در برابر وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی پس از ده سال تدریس در مناطق محروم و عملی نشدن وعده وزیر برای تبدیل وضعیت به قرارداد معین تجمع اعتراضی برپا نمودند

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فولاد

روز یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲ بازنشستگان صنایع فولاد اصفهان و مازندران در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها و بیمه تکمیلی درمان و مطابق تجمعات مستمر یکشنبه‌های اعتراضی مجدداً مقابل ساختمان صندوق های بازنشستگی دست به تجمع زدند.

راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی خوزستان

روز یکشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز و شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به تجمع و راهپیمایی زدند. ویدیویی از تجمع اعتراضی شهروندان دارای معلولیت انتشار یافته که در آن، یکی از مأموران نیروی انتظامی با هتاک و برخورد فیزیکی به یک شهروند معلول، او را تهدید میکند.

تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات کشور

روز دوشنبه ۲۵ دیماه ۱۴۰۲ جمع‌هایی از بازنشستگان مخابرات در استان‌های کرمانشاه، زنجان، مرکزی، آذربایجان غربی، تهران، هرمزگان، خوزستان، گیلان، فارس، لرستان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، همدان، مازندران، استان کردستان در شهرستان‌های مریوان، سنندج، بیجار و ... در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً مقابل شرکت مخابرات دست به تجمع زدند.

اعتراض مشترک بازنشستگان فرهنگی و تأمین اجتماعی اهواز

روز سه‌شنبه ۲۶ دی ۱۴۰۲، جمع‌هایی از بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری و فرهنگیان بازنشسته اهواز مجدداً و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان

مشخصی را از اجرای احکام دریافت کنم". آرش صادقی، اردیبهشت ماه سال جاری از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، بابت اتهام "اجتماع و تبانی" به سه سال و هفت ماه حبس و در مورد "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به هشت ماه حبس محکوم شد.

اعلام اعتصاب غلامرضا غلامی کنذازی و ایرج راهنما

دو معلم زندانی استان فارس طی دو پیام صوتی جداگانه در اعتراض به احکام صادر شده علیه آنان اعلام کردند در اعتراض به سکوت مسئولین از تاریخ ۲۳ دیماه ۱۴۰۲ وارد اعتصاب غذا می شوند.

گزارشی از وضعیت زینب جلالیان زندانی سیاسی

زینب جلالیان، زندانی سیاسی که به حبس ابد محکوم شده است در حالی شانزدهمین سال حبس را بدون یک روز مرخصی پشت سر می گذارد که از بیماری های دهان و دندان، کلیوی و گوارشی رنج می برد و از دسترسی به خدمات درمانی محروم است. او سالهاست تحت انواع محرومیت ها و شکنجه های جانفرسا در زندان های کرمانشاه، اوین، خوی، قرچک، کرمان و یزد دوران ظالمانه حبس را سپری می کند.

بازداشت مصطفی زمانی کارگر جوشکار

روز یکشنبه ۲۴ دیماه ۱۴۰۲، مصطفی زمانی کارگر جوشکار و از فعالین اعتصابات کارگران پروژه های نفت و گاز در اصفهان بازداشت شد. مصطفی زمانی روز یکشنبه و متعاقب تماس نیروهای امنیتی که خود را پیمانکار معرفی کرده و وی را به پالایشگاه اصفهان برای مذاکره و عقد قرارداد کاری دعوت کرده بودند. پس از مراجعه توسط نیروهای لباس شخصی روبرو شده و تاکنون هیچیک از اعضای خانواده و نزدیکانش از سرنوشت او اطلاعی در دست ندارند. بر اساس گفته های کارگران پروژه های نفت و گاز، مصطفی زمانی جوشکار اهل شهرستان ایذه، سالها در اعتراضات کارگری در منطقه پارس جنوبی، فولادشهر، ایذه، هفشجان و تجمعات مقابل مجلس و وزارت نفت که منجر به افزایش دستمزد کارگران شد، حضور مؤثری داشته است. مصطفی اخیراً در پروژه پالایشگاه آبادان واقع در عسلویه مشغول به کار بود.

وخامت حال نرگس منصوری پس از ۲۳ روز اعتصاب غذا

نرگس منصوری، زندانی سیاسی در اوین، در پی وخامت وضعیت جسمی پس از ۲۳ روز اعتصاب غذا به بیمارستان منتقل شد. این اعتصاب غذا در اعتراض به مصادره خانه مادرش که خلاف قانون است می باشد. نرگس منصوری از بیماری مشکوک به سرطان به سر می برد.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی از زندان آزاد شدند الهه محمدی و نیلوفر حامدی، دو روزنامه نگاری که در خبری کردن پرونده ژینا امینی نقش مهمی ایفا کردند، پس از ۱۶ ماه حبس غیرقانونی به طور موقت و با قید وثیقه آزاد شدند. الناز محمدی میزان وثیقه برای خواهرش را ۱۰ میلیارد تومان اعلام کرده است. آزادی موقت این دو روزنامه نگار با استقبال تعداد زیادی از شهروندان روبه روی زندان اوین و همینطور کاربران شبکه های اجتماعی همراه شده است. قوه قضائیه اعلام کرد به دلیل انتشار تصاویر بدون حجاب اجباری الهه محمدی و نیلوفر حامدی بعد از آزادی موقت از زندان، برای این دو روزنامه نگار پرونده جدیدی تشکیل شده است. در اطلاعیه قوه قضائیه، آنها "دو متهم امنیتی زن" خوانده شده اند و اعلام شده به دلیل انتشار "تصاویری از کشف حجاب"، علیه شان اعلام جرم شده و پرونده جدید در دادرسی عمومی و انقلاب تهران تشکیل شد.

عاتکه رجبی معلم زندانی آزاد شد

عاتکه رجبی، که به حکم شعبه ۲۱ اجرای احکام دادگاه مشهد برای گذراندن دوماه حبس، روانه زندان مشهد شده بود، روز چهارشنبه با پایان دوران محکومیتش آزاد شد.

ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. در همین روز بازنشستگان کشوری در شهرهای یزد و کرمانشاه نیز در مقابل صندوقهای بازنشستگی شهرهای مربوطه دست به اعتراض زدند.

بازداشت ۷۰ تن از اهالی روستای قره قشلاق

در پی اعتراض به تبعات زیست محیطی احداث کارخانه نمک با دستور رئیس اداره اطلاعات سلماس ۷۰ نفر از اهالی روستای قره قشلاق بازداشت شده اند. مأموران وزارت اطلاعات با حضور در منازل این شهروندان آن ها را در ارتباط با "تجمع مسالمت آمیز زیست محیطی" روز چهارشنبه بازداشت کرده اند. منابع آگاه اعلام کرده اند که رئیس نهاد اطلاعات، بازداشت شدگان زن را مورد هتاکی لفظی قرار داده و آنها را به خشونت جنسی تهدید کرده است. تصاویری در شبکه های اجتماعی منتشر شد نشان می داد که نیروهای حکومتی روز چهارشنبه، ۲۰ دی ماه، با گاز اشک آور و باتوم به تجمع اعتراضی اهالی قره قشلاق حمله کرده اند.

تجمع اعتراضی معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه

یکشنبه ۲۴ دی در اعتراض به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون، معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اعتراض خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام

روز یکشنبه ۲۴ دی ماه ۱۴۰۲، مادران و خانواده های چهار زندانی سیاسی محکوم به اعدام به منظور پیگیری پرونده فرزندانشان و ممانعت از اجرای حکم اعدام در مقابل زندان اوین تجمع کردند. این مادران با در دست داشتن عکس فرزندانشان به صدور حکم اعدام بر علیه فرزندانشان اعتراض میکنند. لازم به ذکر است که روز شنبه ۱۶ دی ماه ۱۴۰۲، زندانیان سیاسی محسن مظلومی، پژمان فاتحی، وفا آذربار و محمد فرامرز پس یک سال و نیم بلاتکلیفی که با بی خبری همراه بود، به اعدام محکوم شدند.

صدور احکام "افساد فی الارض" و اعدام

رئوف شیخ معروفی، کامران سلطانی و محمد فرجی، سه شهروند اهل بوکان که در جریان خیزش سراسری ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بودند، بدون دسترسی به وکیل تعیینی به "افساد فی الارض" و اعدام متهم شدند.

شریفة محمدی زیر فشار بازجوها برای اعتراف اجباری

شریفة محمدی، فعال کارگری که پیشتر از زندان لاکان رشت به زندان سنندج انتقال یافته بود توسط بازجوها وزارت اطلاعات در سنندج برای اعتراف اجباری علیه خود مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

آرش صادقی بیمار است، جای او زندان نیست

آرش صادقی با اعلام اینکه حکم حبس چهار سال و سه ماهه اش از مهر ماه به اجرای احکام ارسال شده، از تلاش خود برای کسب مهلت درمانی خبر داد. این زندانی سابق سیاسی و فعال حقوق بشر، در شبکه اجتماعی اکس، نوشت: "با پیگیری وکیل، رامین صفرنیا نامه ای برای پزشکی قانونی به همراه مدارک پزشکی مربوط به بیماری (کندرو ساوکوم) ارائه شده تا در صورت تایید برای طی مراحل درمانی مهلت

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

Saeed_arman2002@yahoo.co.uk

uk

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!